



۲۴ اکتوبر ۲۰۱۳

تحقیق و تدقیق: رحمت آریا

پنج هزار شهید بی مزار و بی کفن

نام رژیم کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ هـ. ش چنان با خون و قساوت، جنایت و بی رحمی و بیگانه پرستی گره خورده است که جز خائنین و جانپان وابسته به آن، شاید هیچ افغانی نباشد، که درک و برداشت دیگری از آن داشته باشد. کشتارهای سیستماتیک افغانها بخصوص طی بیست ماه اول عمر نکبت بار این رژیم چنان در حافظه مردم و تاریخ سرزمین ما ثبت شده است که بر مصداق قول معروف «شب رفت و سحر نشد شب آمد» علی الرغم سپری شدن سی و پنج سال پس از ام خیانات ۷ ثور ۵۷، وحشت و دهشت آغاز حکمروایی حزب دیموکراتیک خلق، سیاه ترین و خونبارترین صفحات تاریخ متأخر ما را تشکیل می دهد. لست ۵۰۰۰ قربانی آن سالها که درین اواخر افشاء شده است با آنکه محض نمونه کوچک فجایع صورت گرفته و «مشت نمونه خروار» است، اگر از یکطرف نشان دهنده عمق شقاوت و جنایتکاری رژیم و حزبی است که والاترین آرمان های جامعه بشری را به لجن کشید، از طرف دیگر مبین این حقیقت است که بزرگترین قربانی تاریخ متأخر کشور ما نه این شهدای بی کفن و بی مزار بلکه نفس و جوهر «عدالت» است که همان جانپان دیروز با «معاون» و «وزیر» و «وکیل» و «کاندید» و سالار و سرور بودن، هر آن برگلوش تیغ ریشخند میکشند و خنجر طعنه را درچشمش فرو می برند.

این لست بیاد آورنده این حقیقت تکان دهنده است که تا زمانی که شاهین ترازوی عدالت در کشور ما عمود نگردیده هیچ گونه دیموکراسی فسادگستر امریکایی نمی تواند بر زخم های روان مردم ما مرهم بگذارد. بی قانونی، فساد و نامردمی ای که امروز از برکت دیموکراسی امریکایی در کشور ما بیداد می کند نتیجه مستقیم آزاد بودن و معزز بودن جانیانی است که این لست و اسناد همانند آن عروة الوثقی محکومیت آنهاست. به سخره گرفته شدن عدالت انتقالی در واقع به سخره گرفتن خون این همه قربانیانی است که دولت کرزی با قاتلین همین شهداء که در خود جا داده است بر آنها اشک تماش می ریزد.

لست منتشره که امید میرود سلسله انتشار لست های دیگری را (که موجود هستند) درپی داشته باشد، سند محکمی است که تا قرن ها و نسل ها نفرین نامه مردم و تاریخ کشور بر جانپان و وطنفروشان حزب دیموکراتیک خلق خواهد بود، ولی مهمتر از آن اینست که جمع آوری و مستند سازی این جنایات اساس کار تحقیقی را برای پژوهشگران و تاریخ نگارانی تشکیل می دهد که نه با عواطف و احساسات به آن نگاه خواهند کرد، بلکه از روی حقایق و استناد بر آنچه نسل ما دیده و کشیده است، تاریخ برآن قضاوت خواهد کرد. اینجاست که ضرورت به ارائه این حقایق بگونه ای که کار تحقیقی و بررسی را آسان تر سازد، یک نیاز مبرم است که باید هرچه زودتر و با دقت هر چه بیشتر برآورده شود. افتخار دارم که در این امر مهم تا حد توان اولین گام را برداشته ام و اینک نتایج کار خود را با شرحی که ذیلاً در مورد چگونگی آن بیان میشود به پیشگاه محققان، پژوهشگران، تاریخ نگاران، جویندگان حقیقت و بخصوص به خانواده های داغدار که با قلب خونین نام و نشان عزیزان گمشده خود را درین سیاهه بخون خفتگان می پالند، در آغاز با بیان این سروده که مایه احساس دورنی من است، به پیشگاه شان تقدیم میدارم:

به تو ای مادر، ای خواهر، ای پدر و برادر که ۳۵ سال تمام را برای شهید عزیز بی کفن و بی مزارت خفته در قبر گمنام، مظلومانه اشک ریختی، سلام.

سلام به صبر ایوبی تو.

فدای هر قطره اشک گهر بار و معصومت شوم که هر روز و شام در فراق عزیز از دست رفته ات ، با تو و با درد و داغت همنا ام، غم را در آئینه زمان زده و ماتمکده تاریکت می بینم که گرد و خاک نامرادی و نامردمی، ظلم، شقاوت و بیداد بر جلای آن زنگار انداخته است، در کنار تو با تو ایستاده و اشک می ریزم.

سلام به شکوه پر غرور هندوکش آسایت.

سلام به تو ای مادر افغان که فرزندت را یا جلاذ خلقی، دژخیم پرچمی، میر غضب تنظیمی و یا شلاق و ثره زن طالبی زنده سر به نیست کرده است.

به عظمت سپین غر آسایت سلام

به خروش، غرور، عظمت و شکوه آمو و اباسین آسای جاویدان شهیدت سلام،

د پانو شمیره: له ۱ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

به شهید وطن من وتو سلام؛
مبارک باد شهادت بر تو، ای شهید خفته در قبر گمنام
چه مبارک است شهادتت ای فرزند وطن! چه میمون و مردانه است سر بازی در ره وطن!
فراموش مکن که آن جاودانه دوران، تاکنون بر چهره های مسخ شده شرف باختگان و کرگسان جنایت پیشه
همچنان جاودانه می خندد،
گمان مبر که تو تنهایی، با تو ام ای مادر، با تو ام ای خواهر، با تو ام ای پدر و با تو ام ای برادر، با فریاد عدالت
خواهت با تو ام، دست مظلومت را هرگز رها نخواهم کرد،
شاید روزی فرا رسد که زمینه گشای بازپرس خون ناحق جگر گوشه ات شود،
آیا چنان روزی فرا میرسد؟
برای همین امید و آرمان با تو زنده ام،
شمعی را که افروخته ای هرگز مگذار به خموشی گراید،
زنده ایم تا شاهد محاکمه این جانان تاریخ باشیم. (پایان سروده)

قبل از آنکه به شرح موضوع بپردازم، قابل ذکر میدانم که مستند سازی جنایات سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ تنها و تنها
به مثابه اساس و نقطه آغاز کار برای مستند سازی جنایات رژیم های مابعد آن از هفت ثور تا امروز است،
چنانیکه صد ها هزار افغان بیگناه طی بمباردمان سیاست زمین سوز اتحاد شوروی و متعاقباً در جنگهای خونین
منطقوی میان تنظیم ها کشته شده اند، به شمول قتل ها و ترورهای سیاسی افغانهای مهاجر در شهرهای پشاور و
کویته، مشهد، تهران و کرمان و غیره که علی الرغم تلاشهای متعدد رسماً درج اوراق نشده اند. اینکه به چه تعداد
افغانها بوسیله منسوبین این رژیم ها کشته، معیوب و یا ترور سیاسی شده اند، باز هم روشن نیست. ولی درد آور
آنست که در نتیجه همین سیاست های غیر مردمی و غیر ملی بود که از هردو جانب افغانهای مظلوم و بی دفاع
بزرگترین ودیعه هستی یعنی حیات شانرا از دست داده اند و خون افغان بوسیله مرمی های روسی، چینیایی،
مصری، اسرائیلی، پاکستانی، ایرانی و غیره ریخته شده و محض ماشه تفنگ بدست افغان کشیده شده است. بهرحال
از بحث مزید روی این همه مسائل که یک مبحث دراز است و در این مختصر نمیگنجد، منصرف میشوم و ادامه
موضوع را فقط به بررسی همین لست پنج هزار نفری متمرکز می سازم تا زمینه ساز تدقیق و مطالعات بیشتر توسط
محققین کشور گردد.

ماجرای افشای لست:

حفیظ الله امین : به تاریخ ۲۵ سنبله سال ۱۳۵۸ ش بعد از مختنق ساختن گلوی نور محمد تره کی بوسیله بالشت در خانه
نام نهاد «خلق» قدرت مطلقه را احراز و مصونیت، قانونیت و عدالت را شعار سیاست حکومت خود قرار داد. امین که از
همان لحظات آغاز کودتا در راس کودتاچیان صاحب قدرت منحصر به فرد و یکه تاز بود و در جنایات قبل از تاریخ فوق
نقش عمده و اساسی داشت، بعد از قتل تره کی با احراز قدرت مطلقه کودکانه سعی کرد نشان دهد که جنایات ارتکاب یافته
محصول گروپ وی نبوده و گناه آن را به گردن تره کی احاله کرده و لست دوازده هزار نفری را در دیوارهای محوطه
درونی وزارت داخله نصب کرد. به ملاحظه تاریخ های مندرج لست پنج هزار نفری میتوان گفت که این لست در واقع یک
بخش همان لست دازده هزار نفری است که ده ها هزار هموطن داغ دیده و مظلوم از آن دیدن کردند. امین با اعلام آن لست
تلاش داشت تا انتظار عامه را بطرف سیاست خویش معطوف نماید.

ببرک کارمل: مقارن با تجاوز بیشترمانه و آشکار قشون سرخ اتحاد شوروی بالای افغانستان در همان ماه جدی سال
۱۳۵۸ ش امر کرد تا یک لست زندانیان و قربانیان را توأم با اعلام به اصطلاح روز عزای ملی در جوار محوطه بیرونی
زندان پلچرخ کابل نصب دارند. با اینکار یک بار دیگر ده ها هزار هموطن در پی دریافت سرنوشت موهوم عزیزان شان
سیلاب وار به آنجا هجوم بردند و اما هیهات که هزاران هزار با چشمان پر اشک و دست خالی بر گشتند و بر فاجعه قرن
یعنی رژیمهای هفت ثور و شش جدی نفرین فرستادند.

نجیب الله : شمار اعدامیان طی دور دوم حاکمیت نامیمون حزب دیموکراتیک خلق یعنی دوران کارمل - نجیب بالاتر از آن
شماریست که حتی از تصور بالا است. نجیب بخاطر پوشاندن جنایات شخص خود هنگام تصدی ریاست عمومی خاد و جنایات
رژیم پرچی در آخرین روزهای زمامداری اش قبل از اینکه به محوطه نمایندگی ملل متحد در کابل پناهنده شود، امر نابود

د پانو شمیره: له ۲ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

سازی آرشیف خاد را داد تا سندی از اعدام ها، شکنجه ها، بیداد ها و جنایات شخص خودش و زیر دستان خادیتش باقی نماند.

چهاردهم فبروری سال ۱۹۸۹م. روزیست که آخرین سرباز نیروی اشغالگر اتحاد شوروی سابق بعد از شکست پر افتضاح افغانستان را ترک و رژیم پوشالی و در حال شکست نجیب را تنها گذاشت. در اوائل نوامبر سال ۱۹۸۹م یکی از فعالین حقوق بشر، سیاستمدار انگلیس و بعد عضو پارلمان اتحادیه اروپای نیکلاس لارد بتیل که مأموریت دریافت سربازان گمشده و احتمالاً تبادلۀ اسرای شوروی را منحیث میانجی به عهده گرفته بود، به کابل رفت و با غلام فاروق یعقوبی وزیر امنیت دولتی رژیم نجیب دیدار نمود. هرگاه به ترجمۀ انگلیسی همین لست نگاه سرسری بیاندازیم، در آغاز لست با این جمله برمیخوریم (متن جمله): "ترجمۀ لست کشته شدگان که از طرف وزیر امنیت افغان مرحوم غلام فاروق به لارد بتیل در سال ۱۹۸۹م داده شده است. این لست در برگیرندۀ لست آنعده زندانی های است که طی سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ ش (۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ م) زندانی بودند. به خاطر شرح مزید ما به کاپی لست اصلی که در وبسایت نشر شده است مراجعه می کنیم. اغلاط ناشی از ترجمه احتمالاً در آن موجود است."^۱

به این اساس معلوم میشود که لست مذکور را رژیم نجیب برویت همان لستی ترتیب کرده بود که سالها قبل اعلام گردیده بود. نجیب طی سیاست ناکام ولی با بُعد وسیع به اصطلاح «مصالحة ملی» خویش میخواست تیری دیپلماتیک به هدف خود بزند و از طریق واگذاری این لست چنان وانمود سازد که گویا رژیم برحال در واقع کبوتران سفید و پیام آوران صلح و آشتی بوده و جنایت نکرده اند، بلکه رژیم قبلی مربوط به همین حزب بود که طی زعامت تره کی - امین مرتکب جنایات شده اند، با اینکار متوقع بودند تا جامعه اروپایی مجاهدین را وادار به مذاکره با رژیم شان سازد.

راجع به معرفی لارد بتیل و یکی پیدیا چنین معلومات میدهد: «نیکلاس ویلیم بتیل چهارمین بارون بتیل یک سیاستمدار برتانوی بود که در ۱۹ جولای ۱۹۳۸م متولد و در ۸ سپتمبر سال ۲۰۰۷م وفات کرد. موصوف متخصص تاریخ اروپای مرکزی و شرقی و نیز یک مترجم و یکی از فعالین حقوق بشر بود. نامبرده از سال ۱۹۶۷ تا سال ۱۹۹۹م در مجلس اعیان برتانیه منحیث یک محافظه کار ایفای وظیفه میکرد.»

متن مقاله منتشره نیویارک تایمز

روز نامه نیویارک تایمز مؤرخ ۹ نوامبر سال ۱۹۸۹م با انتشاریک مقاله تحت عنوان "افغانها لست ۱۱۰۰۰ کشته شده را افشاء نمودند" به قلم جان. ف. برنز^۲، راجع به موضوع افشاء لست و تلاش حکومت نجیب چنین می نویسد:

«دولت افغانستان دست از راز سر به مهوری برداشت و پذیرفت که اداره پولیس مخفی آن "خاد"^۳ در آغاز مراحل انقلاب کمونیستی خویش به تعداد ۱۱۰۰۰ زندانی سیاسی را کشته است.....

^۱ - Translation of the death list as given by late Afghan Minister of State Security Ghulam Faruq to Lord Bethell in ۱۹۸۹. The list concerns prisoners of ۱۳۰۷ and ۱۳۰۸ (۱۹۷۸-۱۹۷۹). For further details we refer to the copy of the original list as published on the website. Translation errors might exist.

^۲ - JOHN F. BURNS, Special to The New York Times

^۳ خاد: ریاست و بعد به وزارت ارتقاء یافت که از اول جنوری سال ۱۹۸۰م به بعد تحت ریاست نجیب الله از کام یا کارگری اطلاعاتی مؤسسه به خدمات امنیت دولتی ارتقاء یافت. کام خود به نوبه شکل تغییر یافته آگسا است. از اپریل سال ۱۹۷۸م تا سپتمبر سال ۱۹۷۹م آگسا تحت ریاست اسد الله سروری به پیش رفت. از سپتمبر سال ۱۹۷۹م تا دسمبر سال ۱۹۷۹م ریاست اداره کام را اسد الله امین به عهده داشت. از جنوری سال ۱۹۸۰م تا ۲۱ نوامبر سال ۱۹۸۵م اداره خاد بدست نجیب الله بود. از ۶ دسمبر سال ۱۹۸۵م تا اپریل سال ۱۹۹۲م وزیر وزارت خدمات اطلاعات دولتی غلام فاروق یعقوبی بود. در اپریل سال ۱۹۹۲م دولت نجیب سقوط میکند و نام خاد به واد تبدیل میشود و اداره آنرا برای چند روز محدود از ۱۶ اپریل سال ۱۹۹۲م تا ۲۸ اپریل همین سال یک پرچی بنام سلطان عثمانی به پیش می برد ولی بعد از آن یعنی از اپریل سال ۱۹۹۲م تا دسامبر سال ۲۰۰۴م اداره واد را محمد قسیم فهیم به پیش می برد. آنچه مربوط به نام خاد است در واقع نام خاد همان شکل حفظ شده کی جی بی

Комитет государственной безопасности

د پانو شمیره: له ۳ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

این افشاء گری از طریق لستی صورت گرفته که حاوی نامهای قربانیان بوده و بوسیلهٔ پولیس مخفی تر تیب اثر یافته است و دلالت بر قربانیان ای می کند که دولت کابل به تصدیق میزان وحشتی گردن نهاده که این دولت در آن بخصوص طی سالهای اخیر دههٔ ۱۹۷۰ دست داشته است.

این لست به تنهایی بازگویی بیست ماه اول حاکمیت دولتی است که تا ورود سربازان روسی در دسامبر سال ۱۹۷۹م دوام یافت. این خود دریچهٔ این امکان را باز می کند که رقم ۱۱۰۰۰ نفری در واقع بخش کوچک ارقام دیگر است که قربانیان از زمان کودتای سال ۱۹۷۸م به بعد طی یازده سال بوسیلهٔ پولیس مخفی زجر، شکنجه و به قتل رسانیده شده اند. مسلمانان یاغی (مراد مجاهدین است- م) برخوردار از حمایت امریکا میگویند که حدود ۸۰۰۰۰ نفر بوسیلهٔ خاد کشته شده اند، خاد همان سایه - نام دیگر دستگاه کی جی بی است. ارقام یاغیان (مراد مجاهدین است- م) دلالت بر شمار زندانیانی می کند که طی سالهای متمادی در زندانهای خاد از جمله زندان مخوف پل چرخ لا درک شده اند... لست قربانیان یک سند تایید شده ای متجاوز از ۱۰۰ صفحه است که حاوی نام، تاریخ گرفتاری و شمارهٔ زندانی کشته شده است؛ در زمرهٔ کشته شدگان نام دو صدراعظم نور احمد اعتمادی و محمد موسی شفیق هم است که قبل از کودتای سال ۱۹۷۸ م ایفای خدمت نموده بودند.^۴

این لست تصریح نمی دارد که قربانیان چگونه و چطور کشته شده اند. روایات شایع شده در کابل، پابخت افغانستان مشعر از آنست که زندانیان به خندق های حفر شده پرتاب و زنده به گور شده اند و یک تعداد دیگر در حالیکه دستها و پاهای شان بسته شده بودند، به روی زمین خوابانیده شده و تانکها را بالای شان عبور داده اند. شایعات دیگر حاکی از آنست که زندانیان را به پولیگون ها می آوردند، به قطار ایستاد می کردند و نظامیان تازه استخدام شده حین تمرین نشان زنی، زندانیان را نشانه می گرفتند.

این لست هفته گذشته طی ملاقات میان رئیس پولیس غلام فاروق یعقوبی و سیاستمدار ۵۱ سالهٔ برتانوی لارد نیکلاس بتیل در کابل به لارد بتیل داده شد؛ لارد بتیل یکی از کمپاینران حقوق بشر و مربوط به جناح محافظه کار و عضو پارلمان اروپاست. موصوف طی مصاحبهٔ در پشاور "تأثرات عمیق خود را" ابراز کرده گفت که آقای یعقوبی این لست را توأم با معذرت سپرده و وی آنرا در پشاور به رهبران یاغیان (مجاهدین - م) سپرد. لارد بتیل گفت که موصوف "یعقوبی" تأثرات عمیق خود را نسبت به جنایاتیکه بوسیلهٔ حکومت افغان به سر رسیده اظهار داشت.

این لست موجی از تکانها را اینجا در بین سه میلیون مهاجر افغان ایجاد کرد، اکثریت شان از کشته شدن زندانیان زمانی آگاهی یافتند که در آغاز سال ۱۹۸۰م نام کشته شدگان در جوار زندانها و نظارتخانه ها بصورت انقافی از طریق رژیم نصب شده بوسیلهٔ کرملین به این امید آویزان شدند تا برای مداخلهٔ شوروی دلیل موجه بتراشند و گویا بخشی از وحشت رهبران سابق را به نمایش گذاشته باشند.

افشای نامهای قربانیان در واقع بخش ستراتیژی وسیع حکومت نجیب الله بوده تا بدینوسیله نقش خود را (در قتل و کشتار - م) کاهش دهد... "لینک مقاله را در پا ورپی مشاهده کنید". (پایان مقاله)

КГБ СССР یا کمیته امنیت دولتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است و حتی نشان های رسمی آن عین همان نشانی است که خاد از آن کاپی کرده است ؛ در واقع نامهای خاد و کی جی بی از لحاظ شکل و محتوی با هم هیچ نوع تفاوت ندارند. درین مقاله مراد مقاله نویسی باید همان ادارات کام و اکسا باشد. - م

^۴ - یادداشت : نامهای مرحومین نور احمد اعتمادی و محمد موسی شفیق در لست موجود به نظر نمی رسند. جنایتکاران خلقی - پرچی ایکه این لیست را ترتیب کرده اند در لیست بصورت بسیار نامردانه و بیشرمانه اصطلاح عام "بیکار" را در مورد عدهٔ زیاد بکار برده اند. این اصطلاح را من در مورد یک تعداد اشخاصی که با نامها و شغل شان آشنایی داشتم یا سیاستمدار، یا انجنیر، یا داکتر و یا رهبر یکی از گروه های مبارز بودند. اگر نامهای نور احمد اعتمادی و یا مرحوم محمد موسی شفیق را بدون ذکر تخلص درج کرده باشند چیزی گفته نمی بتوانم و یا هم احتمال دارد در لیست بعدی ای که قرار است نشر شود به نظر برسند. - رحمت آریا

^۵ - <http://www.nytimes.com/1989/11/09/world/afghans-disclose-deaths-of-11000.html>

د پانو شمیره: له ۴ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

بنابراین به اثبات میرسد که نشر مجدد این لست حرف تازه ای در ماتمسرای افغانها نیست ولی آنچه میرهن است همانا استفاده ابزاری از آن طی زد و بند های سیاسی است، به این شرح:

حامد کرزی: از قراین چنین به نظر میرسد که جناب حامد کرزی نه تنها از موجوبیت این لست آگاه بود، بلکه آنرا بعد از همان سفر لارد بتیل در دست داشت و آنرا مطالعه کرده و از حقایق آگاه بود. با نام و مقالات تاریخی جناب احسان الله مایار که یکی از وطنپرستان و سیاسیون نامور کشور اند اکثریت ما و شما آشنایی داریم که در پروسه های روم و قبرس آنوقت فعال بودند و یکجا با حامد کرزی از چنین واقعیت تلخ آگاهی داشتند. جناب احسان الله مایار مسئولیت اخلاقی و وجدانی شانرا منحصیث یک سیاستمدار آگاه و نویسنده متعهد رفع کرده اند، ولی کسی به آن واقعی نگذاشته است. به مقالات منتشر شده جناب مایار منتشره پورتال ملی و وزین افغان جرمن آنلاین نگاهی انداخته و نکات مهم آن دو مقاله را درینجا درج می کنم. جناب مایار به تاریخ ۳ / ۸ / ۲۰۱۲ در پورتال افغان جرمن آنلاین مقاله ایرا تحت عنوان " تولد قاتلین ملت" به نشر رسانده اند که در صفحه دوم و در پاراگراف سوم آن چنین میخوانیم: " قتل و قتالیکه در طول حاکمیت کمونیستها در افغانستان صورت گرفته بایست تا این جهان وجود دارد، فراموش ملت افغان نگریده و نسل بالانسل در تاریخ افغانستان بازتاب گردد. مدتی قبل این قلم گزارشی را از مذاکرات بین حضرت مجددی و لارد بتیل انگلیسی و هیئت معیتی وی در دفتر رئیس جمهور جلالی وطن در پشاور تدوین نموده که در آرشیف پورتال افغان جرمن آنلاین موجود می باشد. در این سند روی فرستادن کتاب قطوری که در آن لست ۱۲۰۰۰ نفر مردمان مسلمان توسط پایدو های کمونیست حفیظ الله امین به شهادت رسیده بودند و از طرف داکتر نجیب الله رئیس جمهور افغانستان به حضرت مجددی توسط لارد موصوف فرستاده شده بود، مذاکرات صورت گرفت. از این گزارش بیش از بیست سال سپری گردیده و تا امروز خبری از بازخواست این انسانها نشنیده و ندیده ام. چرا؟»

آقای مایار در ادامه می نویسد: «من معتقدم که آدمکشان خلق و پرچم منبعث به خلقت آدمکشان بعدی گردیده و ازینرو اسلاف آدم کش خالق اخلاف آدمکشهای امروزی بوده لیک بخاطر تأمین منافع شخصی دست مؤدت و برادری!! با هم داده و در افغانستان امروزی یکجا در قدرتند و ملت بیدفاع را بیرحمانه می کوبند. این است ورقی از آن تاریخ و حقیقت آن. استدلالی که می نمایم میان تهی نبوده زمانه، گروه های دیگر که مرتکب جنایات و قتل مردم بیگناه افغان شده اند، اسناد آنرا در دستم سپرده و به چشم سر دیده و شنیده ام.» (در پا ورقی به لینک مقاله فوق رجوع نمایید^۱)

مقاله دیگر جناب مایار در پورتال افغان جرمن آنلاین حدود یکسال قبل از مقاله فوق به تاریخ ۲۴ / ۱۲ / ۲۰۱۱ تحت عنوان " آسیای عدالت بطی می چرخد، لیک می چرخد" به نشر رسیده است. در صفحه دوم این مقاله بعد از پاراگراف دوم چنین میخوانیم: - " نشر خبر به چنگ عدالت افتادن یک جنرال سخیف خاد و یا واد و یا هر نامیکه بوده، در آلمان قدمیست ارزنده که امید است مردم ما را بیدار نماید و صدای بی صوت زیر خاک خفتگان بیگناه ما را به گوش جهانیان برساند و در پی داد خواهی دروازه هر دادگاه را بکوبند.

من با صراحت کامل بیش از همه به رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، آقای حامد کرزی، اشاره می نمایم و اکیداً تقاضا دارم تا حق مردم بی گناه افغان را منحصیث حامی مردم افغان چه زنده و چه مرده پایمال نکنند.

از سال ۱۹۷۸ م باینطرف بزرگترین فجایع قرن بیست بالای ملت افغانستان، چه توسط خود افغانها و یا یک کشور خارجی، تحمیل گردیده است که صدای چیغ داد خواهی شان به هفت آسمان میرسد. رئیس جمهور افغانستان باید بدانند که با پوشیدن لباس که هر پارچه آن مبین از یک کتله قوم افغان می باشد حق مردم را به کرسی نشانده نمیتواند.»

آقای مایار در ادامه رئیس جمهور کرزی را مخاطب قرار داده، چنین مینویسد:

«آقای رئیس جمهور! میخوام از گذشته ها به شما یادی نمایم. بخاطر خواهید داشت که در یک جلسه خاص، تحت ریاست جناب حضرت صبغت الله مجددی شما، منحصیث سکرتر شان و بنده منحصیث مشاور شان جهت مذاکره با هیئت انگلیسی که ریاست آنرا لارد بتیل، شخصیکه بین روسها و مجاهدین بمنظور تبادلۀ اسرای جنگ میانجیگری می نمود، در پشاور اشتراک داشتیم؟»

اگر به خاطر داشته باشید لارد بتیل که مستقیماً از کابل به پشاور آمده بود پیغام کتبی از جانب داکتر نجیب الله به حضرت مجددی داشت که متن آنرا هر دو، من و شما مطالعه کردیم. بر علاوه آن لارد موصوف لست مجلد قطوری که پشتی سفید داشت به حضرت مجددی داد و گفت که این لست دوازده هزار نفری است که در زمان حفیظ الله امین کشته شده اند. لست را

^۱ - <http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha PDF/e mayar tawalod qatelin melat afghan.pdf>

گرفتم و در لابلای آن ورق زدم. اکثر اشخاصیکه کشته شده بودند در اخیر نام شان متهم به "اشرار" اضافه شده بود. در ختم مجلس طولانی آن روز لست مجلد را شخصاً به شما (آقای کرزی) سپردم. سؤال کوتاه به شما راجع میشود که: بعد از آنکه شما مالک تاج و تخت افغانستان و منیحت حامی ملت افغان که صیانت و حراست شان اصل وظیفه تان هست، منصوب شدید در باره این لست چه اقدامی نمودید؟

آقای کرزی! قدرتیکه امروز به شما تفویض گردیده هیچ یک از زمامداران افغانستان در طول تاریخ افغانستان مالک آن نبودند. شما مجهز به ساز و برگ نظامی و آرگاه و بارگاه دولتی هستید که میتوانید با قوت الظهر آن هر گونه خدمتی به نفع ملت افغان رویدست بگیریید و کسی مانع شما شده نمیتواند.

فکر می کنم که اولین وظیفه شما به داد رسیدن ملت افغان است که بایست در رأس کار روزمره شما قرار داشته باشد. متأسفانه شما نه تنها به داد خواهی مردم اعتنا نمی نمایید بلکه شما به "حکم" خود ذریعه یک فرمان ریاست جمهوری افغانستان قاتلین مردم افغانستان، چه راست و یا چپ، را در حساسترین مقام دولت قرار میدهید که تا هنوز هم بالای ریش مردم بخندند.

من از رویدادیکه در حضور شما صورت گرفته یاد می نمایم که یکی از وزرای برحال و با قدرت امروزی تان جهت تأیید نظر یکی از مقربین تان چنین اظهار نموده است: "جمله ریاست های وزارت مربوطم را خلقی ها و پرچمی ها اشغال نموده اند." یک لحظه بیاندیشید و خدا (ج) را بالای سر تان حاضر و ناظر ببینید که آیا چنین صحنه در حضور شما بالای سفره طعام چاشت رخ نداده است؟" (در پا ورقي به لینک مقاله مذکور مراجعه نمائید^۷)

پس چنین به نظر میرسد که آقای حامد کرزی نه تنها از موجودیت لست آگاهی داشته بلکه دهه ها قبل آنرا از سر تا به آخر خوانده و در دست داشتند. حامد کرزی منیحت رئیس حکومت دوره انتقالی و دو بار به اصطلاح رئیس جمهور منتخب افغانستان مسئولیت ملی، اخلاقی و وجدانی داشتند تا در همان آغاز به ندای پروسه عدالت انتقالی لبیک می گفتند و با هر قیمتی که می شد این پروسه را عملی می ساختند. برعکس جناب کرزی با رویدست گرفتن مضر ترین سیاست مصلحت و سازش صرف بخاطر بقای قدرت چند روزه همه آمال و ایدیل های عدلی را زیر پا گذاشته و بدور خود شنیع ترین عناصر معلوم الحال و جانی را جمع کرده ندای عدالتخواه ملت را در گلو خفه ساختند.

سؤالاتی از رئیس جمهور کنونی کشور مطرح میشود که به جز از وی کسی دیگری نمیتواند به آن پاسخ ارائه نماید.

■ آیا رئیس جمهور کنونی افغانستان از همان آغاز ریاست جمهوری شان تا چند روز قبل که لست مورد بحث به نشر رسید، از موجودیت آن آگاهی داشتند؟

■ اگر داشتند چرا در همان روز های آغاز دست به افشای آن نزدند؟

■ چرا صادقانه امانت سپرده شده به وی را به پیشگاه مردم تقدیم نکردند؟

■ آیا این لست و شاید هم لست های دیگر نمی توانست مسئله عدالت انتقالی را تقویت بخشد؟

■ آیا مسئله عدالت انتقالی دیباچه کار حکومت انتقالی وقت را به پیشتیانی و خواست جامعه جهانی و مدنی افغان تشکیل نمی داد؟

■ آیا چشم امید همه به مأمول تأمین عدالت انتقالی دوخته نشده بود؟

■ آیا با زودون چانیان جنگی، در همکاری با محکمه بین المللی، سازمانهای حقوق بشر با ایجاد یک محکمه و دیوان قضائی مشخص و کاملاً عادلانه، کافه ملت عدالتخواه در عقب وی نمی ایستاد؟

■ و سرانجام با رویکار آوردن مجدد همان چهره های منفور و خائن خلق و پرچم، جنگسالاران و غیره آیا پروسه عدالت انتقالی سبوتاز نشد؟

■ آیا فریاد عدالتخواه ملت در گلو خفه نشد و بر زخمهای سه دهه نمک بیشتر پاشیده نشد؟

^۷ - http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/e_mayar_asiyae_adalat_bati_lek_metsharkhad.pdf

آنچه در بارهٔ راپور اخیری که پیرامون چگونگی شرح این لست به نشر رسید و گفته میشود که گویا نمایندهٔ خاص ملل متحد فیلیکس ایرماکورا^۱ این لست را به کدام خانم مهاجر افغان مقیم آلمان سپرده است شک دارم. گمان نمی‌کنم که نمایندهٔ خاص ملل متحد برای افغانستان که در سال ۱۹۸۵م راپوری را تحت عنوان "زیر پا کردن فاحش حقوق بشری در افغانستان بوسیلهٔ نیروهای شوروی" تهیه و به ملل متحد سپرد، تجربهٔ کافی در امور حقوق بشر داشته و دو بار که از سال ۱۹۵۹ تا سال ۱۹۸۰م و بعد از سال ۱۹۸۴ تا سال ۱۹۸۷م تصدی ریاست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را به عهده داشت اینقدر ساده و بی فکر بوده باشد که لست آغشته بخون دوازه هزار شهید را به یک خانم نا آشنا و خموش و بی‌زبان افغان در جرمنی بدون داشتن هیچ نوع مسئولیت و تصدی کور گورانه بسپارد. آنچه تصور میشود، آنست که این خانم به گمان قریب به یقین یکی از اراکین برجسته و معلوم الحال حزب دیموکراتیک خلق و احتمالاً جناح پرچم بوده که با داشتن دسترسی به منابع "خاد" این لست را تصاحب و حین فرار بطرف غرب به این امید با خود آورده باشد که هم از آن به نفع خود و هم به نفع سایر فراریان پرچمی استفاده ابزاری نماید. طوریکه در پا ورقی صفحات قبلی گفتم بعد از فرو پاشی رژیم نجیب الله و استقرار حکومت مجاهدین ریاست خاد را که تازه به "واد" تغییر شکل داده بود، یک پرچمی بنام سلطان عثمانی به عهده داشت یعنی از ۱۶ اپریل سال ۱۹۹۲ تا ۲۸ اپریل همان سال برای دوازه روز رئیس عمومی "واد" بود که بعد جایش را معاون اول رئیس جمهور کنونی محمد قسیم فهیم گرفت. شخصیکه بنام امان الله عثمانی از آن نامبرده میشود، اگر نامش درست باشد باید یکی از منسوبین خاد جناح پرچم و یکی از اقارب خانوادگی احتمالاً برادر سلطان عثمانی باشد و یا هم شخص خود سلطان عثمانی است که نامش را به امان الله عثمانی تغییر داده است والله اعلم.

آنچه را می‌خواستم به ثبوت برسانم، اینست که ازین لست بخون نوشته شدهٔ شهدای بیگناه و معصوم کشور تا چه حد و تا چه اندازه استفاده ابزاری صورت گرفته است. سیاستمداران کشور از نجیب تا کرزی همه از آن بخاطر اهداف دیپلوماتیک و همچنان منسوبین "خاد" و خاصاً جناح پرچم از آن بخاطر دست یابی به پناه گزینی در غرب همه و همه از آن آگاهانه و ناجوانمردانه استفاده کرده اند. اگر واقعاً وجدان انسانی بیدار موجود می‌بود هرگز از آن چنین استفاده‌ها نمی‌شد. اگر لست جنایات در کشور از همان بدو کودتای خونین هفت ثور تا کنون تهیه می‌بود و در اختیار مجامع مدنی و سازمانهای حقوق بشر و یا در اختیار یک کمیتهٔ خیر اندیش و کاملاً بیطرف افغانی قرار می‌داشت، هرگز کسی جرئت استفاده از آنرا نداشت و ظالم و ستمگر به پنجهٔ عدالت سپرده میشد.

هموطن عزیزم! عدالت یک ایدئال است که تأمین آن در چوکات قانون و در جامعهٔ قانون محور متصور است. من و تو می‌بینیم که سیاسیون فاسد کشور حتی از خون همان شهدای بی مزار و بی کفن استفاده ابزاری می‌کنند. یگانه کاریکه من و تو کرده میتوانیم همانا مستند سازی جنایات است. شاید روزی فرا رسد و گوش شنوایی پیدا شود که فریاد عدالتخواهی من و تو در تار و پود وجودش به تکاپو آید. شاید برای تأیخ و محققین کشور من و تو اهمیت داشته باشد. من پیشنهاد می‌کنم تا یک دیتا بینک (databank) خاص از طریق یک پورتال و یا سایت انترنتی تهیه شود و تصدی آنرا اشخاصی داشته باشد که مورد اعتماد خانواده‌های شهدا باشند.

انتشار این لست شمه‌ای از جنایاتی است که طی بیش از سه دههٔ اخیر در کشور بوقوع پیوسته است. نبود یک مرجع قابل اعتماد برای ثبت و تثبیت جنایات، دست جانیان و جلادان را آزاد گذاشته و تا سرحدی آزاد اند که همان جنایتکار دیروز با بروت و ریش و نکتایی و پکول و لنگی در تلویزیونها بنام کارشناس امور سیاسی، نظامی و اقتصادی ظاهر میشوند. اشخاصی چون شهناز تبتی، فقیر محمد فقیر و بکناش و غیره از آن بنام "دفاع مشروع" از "رژیم مشروع" دفاع می‌کنند. هیئات اگر ذره از قانون و وجدان و شرف انسانی وجود میداشت هرگز چنین حرفی را بزبان نمی‌آوردند. همه میدانند که در همان آغاز روزهای کودتا به جز از کودتاچیان کسی دیگری اسلحه بدست نداشت، اگر بغاوتی صورت گرفته است صرف عکس العمل جمعی مردم در برابر یک رژیم غیر مشروع و دست نشانده بود. ولی کودتاچیان مغرور، نو به قدرت رسیدگان تشنه بخون از هیچ چیز صرفه نمی‌کردند. توانایی شنیدن صدای مخالف را نداشتند و تحت نام به اصطلاح "دیکتاتوری پرولتاریا" دود از دمار مردم بیگناه و بی‌دفاع بیرون آوردند و آینده سازان و نونهالان کشور را بدون محاکمه و تحقیق و پرس و پال به پولیگونها روانه کردند.

با ذکر این نکته که خون هر افغان بی‌گناه مقدس است ولو به هر جناح و گروهیکه منسوب بوده است، ولی مقدس تر از آن همان خونبست که به هیچ یکی از گروه‌ها وابسته نبوده است.

^۱ - Felix Ermacora (October ۱۳, ۱۹۲۳ – February ۲۴, ۱۹۹۰)

قصه و داستان مظلومیت شهدای بی مزار و بی کفن کشورم، داستان شهدای زنده یعنی بازماندگان و ورثه آن شهدای عزیز چون " قصه الف لیلا" شرحی دارد بی انجام ولی آغازی دارد که انجامش به امتداد لایتناهی تا ناکجا آباد منتهی میشود.

ساختار لست:

لست کشته شدگان از سایت www.warcrimes.nl مقیم هالند بدست آمده است. این سایت بنام Internationale Misdrijven یا سایت مربوط به جرایم بین المللی است. در همان آغاز ازین سایت سه لست را می توانستیم دَنلود نماییم

۱- لست اصلی به فارمت پی دی ایف که بوسیله تایپ قدیمی نوشته شده و در پهلوی هر نام شماره گذاری قلمی را با اعداد انگلیسی میتوان مشاهده کرد

۲- کاپی همین لست به فارمت مایکروسافت ورد

۳- ترجمه همان لست به انگلیسی به فارمت پی دی ایف

۴- مجموعه یکتعداد مکاتیب که مربوط به همین لست اند

در لست اصلی نام، ولد، محل سکونت، شغل و نوع اتهام یا جرم ذکر است. این مشخصه از اول تا آخر لست به ملاحظه میرسد ولی در لست عناوین نام، ولد، محل سکونت، شغل و نوع اتهام یا جرم ذکر نیست. آنچه بشکل واحد در لست آمده همانا نام وولد و نوع جرم است که بدون تغییر یکی پی دیگر در جاهای مشخص آمده است. شغل و محل سکونت شکل هماهنگ ندارد گاهی شغل اول آمده بعد محل سکونت و گاهی برعکس. در اکثر جاها از ولسوالی و قریه، شهر و یا گذر مربوطه ذکر شده است نه از ولایت، در بعضی جاها از ولایت مربوطه ذکر بعمل آمده است.

انواع اتهام یا جرم :

بزرگترین رقم را چنانچه در جداول زیر نشان داده شده است اولاً اخوانی و اخوان، بعد اشرار و متعاقب آن خمینی و خمینیست تشکیل میدهد. اتهامات و یا جرایم دیگر عبارتند از: مائویست و شعله یی، افغان ملتی، ستمی، سکتاریست، اشراف و توطئه. اتهامات دیگر هم به نظر میرسند: مثلاً

- خریداری تفنگ شکاری و یا موش کش و یا کارتوس آن جهت اخلال منطقه

- در محضر عام رهبر توانای خلق را دشنام داده است

- ضد انقلاب

- تبلیغ منفی

- همکار اشرار

- برای اشرار یک و یا چند موتر آرد را انتقال میداد

- به اشرار راپور منطقه را میداد

- اشرار است

- طرفدار حکومت ظاهر- داؤود است

- به ارتباط توطئه

- به ارتباط پیرزاده

د پانو شمیره: له ۸ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکې په څير و لولئ

- به ارتباط سیلاب صافی
- مجددی
- موثر شان در خدمت اشرا است
- اشرا لوگر
- اشرا غزنی
- اشرا پکتیا
- اشرا گردیز
- اشرا پنجشیر
- اشرا هرات
- مستقیماً در جبهه جنگ دستگیر شده است
- در راه ایستاد بود و پیشروی موثر را گرفته بود
- جاسوس
- از طرف اشرا دستوری آمده
- قرار مکتوب گروپ اجراء پکتیا یازده نفر در جنگ علاقداری سهم داشته و از جمله اشرا درجه اول می باشد
- فرزند سید کیان است
- به ارتباط گلبدین
- توطئه رسول جان
- در صحنه جنگ مسجد سبز از صحنه جنگ دستگیر شده
- با بیرق سفید که روی آن الله اکبر و "کلمه" نوشته شده بود بالفعل و بیرق بدست گرفتار شده
- طرفدار دولت ایران و امثالهم

در ختم لست در پهلوی یک تعداد نامها اصلاً جرم و یا نوعیت اتهام ذکر نیست. طور مثال در وسط لست در یک جای نام اشرافی ذکر شده و بعد که نامهای متجاوز از شصت نفر محصلین و استادان پوهنتون درج گردیده است، این مشخصه سفید گذاشته شده، مگر در ترجمه انگلیسی و لست دری که در مایکروسافت ورد نوشته شده متعاقب نام اشرافی در پهلوی هر نام بعدی ایضاً " " " آمده و آنها را اشتباهاً و یا عمدتاً در زمره اشرافی آورده اند. این مسئولیت تائیسیت های انگلیسی و دری بود که امانت را طبق لست اصلی همچنان حفظ میکردند. در اخیر لست یکتعداد زیاد نامها هم همین مشخصه را ندارند که نوعیت به اصطلاح جرم شان ذکر نیست.

- تناقض:

با ملاحظه لست اصلی و مقایسه آن که به ترجمه انگلیسی و دری نوشته شده به فارمت مایکروسافت ورد در می یابیم که چند نام اضافی درین لست ها جابجا شده اند که در لست اصلی موجود نیستند و یا یکتعداد نامها با عمداً و یا سهواً در هر دو لست های انگلیسی و دری بملاحظه نمیرسند، حال آنکه در لست اصلی موجود اند. در ختم ترجمه انگلیسی حدود ده نام اضافی درج شده اند که در لست اصلی موجود نیستند. در هر دو لست یکتعداد نامها و یا ولد شهدا به شکلی نوشته شده اند که با لست

د پانو شمیره: له ۹ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

اصلی مطابقت ندارند. عین مشکل را در بعضی حصص در قسمت جرم، محل سکونت و یا شغل ملاحظه می کنیم. همه این تناقضات را بوسیله رنگ آبی نشانی کرده ام. به فایل اصلاح شده دری به فارمت مایکروسافت ورد که قبلاً به وسیله تاپیست دری تایپ شده بود، مراجعه کنید.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_WORD/Death_List_Internetversion_Dari.doc

- اغلاط انشائی:

بدون تردید هیچکس کامل نیست و در اغلاط انشائی تاپیست های دری و ترجمه متن انگلیسی را گنهکار نمی دانم ولی ملامت به بی توجهی می دانم. زیرا هر کلمه و هر حرف مطابق است اصلی یگانه نشانه بازمانده از همان شهید مظلوم، بی گور و بی کفن است که باید بصورت امانت مقدس حفظ می شد و توجه عمیق به آن میزول می گشت. خیلی ساده است که نام حسن به حسین بدل شود ولی برای ورثه شهیدیکه نامش حسن بوده و بعد از سی و پنج سال همه مشخصات شهیدش را به جز از تبدیلی نامش می بیند، خیلی درد آور است و یا شاید هم تصور کند که این نام مربوط کدام شهید دیگر است. همین مشکل در قسمت نامهای که به "الله" می انجامند دیده میشوند، مثلاً عصمت الله، صفت الله، حشمت الله، نعمت الله و غیره. مشکل در چاپ عکسی یا فارمت پی دی ایف سند اصلی هم است که رنگ نوشته ها بشکل نوشته های سوخته و رنگ باخته در آمده و خواندن نام و یا سایر مشخصات را خیلی مشکل می سازد و در بعضی جاها چنان مشکل است که حتی قابل خواندن نیستند. متعلم به آسانی معلم شده میتواند. ولی در اغلاط املائی این گناه را هیچ خط خوان بخشیده نمی تواند که کسی ملازم کودکان را ملای کودکان یا ملا امام کودکان بنویسند در حالیکه در متن اصلی هیچ نوع مشکلی در خواندن همین مثال مشخص وجود ندارد.

- تغییر کلمات به اصطلاحات امروزی:

ظاهراً تاپیست دری در بعضی جاها تحت تأثیر مصطلحات نوین ایرانی قرار داشته و کلمات پوهنخی را به دانشکده و دانشگاه و یا دهقان و زارع را به کشاورز و یا درپور را به راننده و امثالهم تبدیل کرده است. و یا محمد هاشم را محمد هاشیم نوشته و یا محمد خادم را خادیم و یا خاندوی را مأمور پولیس نوشته و ده های مثال دیگر ازین قبیل. یک مثال جالب دیگر که شاید تاپیست در خواندن اشتباه کرده باشد این است: کسیکه شغلش علاف است و اتفاقاً جرمش حرکت اسلامی نوشته شده و تاپیست سند اصلی آنرا "حرکت اسلام" نوشته است ولی تاپیست دری ما همین "علاف" را "خلاف" نوشته و جرم را هم پهلویش اضافه کرده و از آن قصداً "حرکت خلاف اسلام" ساخته است. روح شهیدیکه حیات و مامتش را در راه وطن و اسلام فدا کرده است، چه خواهد گفت و یا خانواده و دوستانش چه تصور خواهند کرد؟ تاپیست دری اصلاً حق تغییر یک حرف و یک کلمه را ندارد. تاپیست مسئولیت دارد تا نقل را مطابق اصل بنویسد و از اصل سندیت و اعتبار سند اصلی نکاهد، تاپیست معلم زبان نیست که مصطلحات متن اصلی را درست کرده و هر آنچه میل ناز نینش خواسته باشد، بنویسد. در جاهای که تاپیست قادر به خواند حصص سند اصلی نشده است خاصاً در قسمت شغل، از خود چیز های را نوشته اند که با متن اصلی اصلاً سر نمی خورد. در بعضی جاها نامها به اساس شماره های اصلی نیامده بلکه پنج تا شش نام بالا و پائین شده اند. کارمند یک اصطلاح مسخ شده و منحصر به مأمورین استخباراتی در زمان حاکمیت بعد از کودتا بود، ولی تاپیست دری ما بدون ملاحظه و احتیاط کلمه مأمور را به کارمند تبدیل کرده است. سائر مثالهای فراوان درین است دیده میشود که صرف با ملاحظه و مطابقت به است اصلی میتوان به آن پی برد.

بنابراین با توجه شدن به این اشتباهات وظیفه و مسؤولیت اخلاقی خود شمردم تا است را از سر مطابق است اصلی ترتیب نمایم. اجرای این کار برای یک شخص در یک مدت کوتاه آسان و حتی مقدور نیست ولی من شب و روز بلاوقفه نشستم. است اصلی، است دری به فارمت مایکروسافت Microsoft Format ورد Word و است انگلیسی را باز کردم. فایل File دیگر را در کمپیوتر به فارمت ایکسل Excel گشودم. یکایک نامها را با همه مشخصات آن بعد از مقایسه هر سه فایل در فایل خود به هر دو زبان رسمی کشور یعنی پشتو و دری نوشتم. در هر جائیکه مشکل داشتم در مقابل آن ملاحظه خود را نوشتم. در جاهائیکه در متن اصلی مشکل خواندن داشتم بعلت رنگ باختگی رنگ نوشته نامها و یا کلمات قریب به آنرا نوشتم. در جاهائیکه نوشته قابل خواندن نبود ملاحظه خود را نوشتم که کلمه و یا نام قابل خواندن نیست. من در برابر هر کلمه و هر نام که با چنین مشکلی مواجه شده ام سعی ببدریغ و نهایت خود را کرده ام. حتی همان قسمت را به پروگرام فوتو شاپ Photoshop به این امید انتقال داده ام تا اگر بتوانم با تغییری رنگ و گرافیک Graphic سند اصلی، قادر به خواندن آن

د پانو شمیره: له ۱۰ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

شوم. بدینگونه من در فایل ایکسل خود بخاطر آسان سازی و فلتر Filter نمودن مجبور بودم یک نوع تغییر اندک تخنیکي را بپذیرم و آن اینکه اگر شغل و یا سکونت " پس و پیش" آمده بودند آنرا در همان ستونی Column آورده ام که من به آن اختصاص داده ام. هر مشخصه فوق الذکر در ستون مربوطه آمده است و بدینگونه یک نوع توحید هماهنگ بمیان آمد. بخاطر سهل ساختن مرحله فلتر از نامهای ولسوالی ها و یا علاقه داری میدانستم که مربوط کدام ولایت طبق تقسیمات واحد های اداری آنوقت اند. بنابراین نام ولایت را قبل از ولسوالی یا علاقه داری و یا شهر اضافه کرده ام تا در مرحله فلتر نمودن سهولتی برای خوانندگان بخصوص ورثه شهداء بمیان آمده باشد. در فلتر نمودن اگر قرار باشد ما نام شهدای یک ولایت از میان پنج هزار نفر فلتر نمائیم، میتوان به آسانی آنرا فلتر نمود. همین سهولت را در قسمت شغل و یا جرم هم میتوان بکار برد. همه اینها بخاطر آسان سازی در پیدا کردن یک نام بمیان آمده اند. در دو قسمت مشکل داشتم و آن بهسود ولایت وردک و بهسود ولایت ننگرهار ، و قره باغ ولایت غزنی و قره باغ ولایت کابل بود. ظاهراً به ملاحظه اسم شهید میتوان حدس زد که نامبرده مربوط به کدام ولایت است ولی بخاطر حفظ اصل امانت، من به حدس و گمان متوصل نشده ام بلکه آنچه را که در متن اصلی موجود بود همانطور در فایل خود امانتاً نوشتم. در مرحله تطبیق نامها با لست های متذکره همه اغلاط و اشتباهات متن دري را به فارمت مایکروسافت ورد به ترتیبی اصلاح کرده ام که غلطی و یا اشتباه تاییبی را اولاً با رنگ سرخ خط زده و با رنگ آبی شکل درست آنرا نوشته ام که کاپی آن حضور خوانندگان تقدیم است.

تکمیل نمودن بخش آخر کار:

شک نیست که کار انجام شده ام از لحاظ تحقیقی مکمل نیست. آخرین کاریکه باید درین قسمت صورت گیرد، همانا تطبیق نامها با مکاتیبی است که از سایت متذکره با تاریخ، شماره صادره مکاتیب و غیره مشخصات گرفته شده است. شاید تعداد زیاد نامها با این مکاتیب مطابقت نه کند ولی آنچه موجود اند باید مطابقت داده میشد و در ستون دیگر تحت ملاحظات اضافه می شد. اگر صحت و حوصله یاری کند این بخش را نیز تکمیل خواهم کرد. ولی تا جائیکه بعضی صفحات مکاتیب و نامهای مندرج در مکاتیب را با لست اصلی از طریق عمیله فلتر در ایکسل انجام داده ام، این نامها با نامهای لست اصلی سر نه میخورند. بنابراین معلوم میشود که اکثریت نامهای مکاتیب مربوط به این لست نیستند و ایجاب می کند تا لست دیگر از روی مکاتیب تهیه گردد.

باید اضافه نمایم که بعد از تصحیح، تدقیق و مقابله هر سه لست مشابه برای بار اخیر یکبار دیگر لست تهیه شده خود را با لست اصلی و دولست دیگر یعنی لست دري در مایکروسافت ورد و ترجمه انگلیسی آن مقایسه و تطبیق کردم. در جاهائیکه نام پدر، محل سکونت، شغل ویا جرم ذکر نه شده آنرا با علامت سوالیه نشانی کرده ام. در بخش ستون جرایم نیز عین توجه را مبذول داشته در جاهای که ذکر نشده یا ملاحظات خود را نوشته و یا با علامت سوالیه نشانی کرده ام.

دو نکته قابل یاد آوری : درین لست نام سه تن از اهل هنود افغان هم به نظر میرسد که یک تن شان به اتهام اخوانی و دو تن دیگر شان به اتهام مائویست کشته شده اند. مزید بر آن، نام دو تن خانم افغان هم به ملاحظه میرسد یکی بنام لیلی مسکونه سالنگ و اب به اتهام اخوانی و دیگری نازنین از پنجشیر به اتهام اكمال کننده جبهه پنجشیر.

در ختم همین نوشته دیگرام و گرافیک کار خویش را حضور هموطنانم تقدیم میدارم. از همه خوانندگان بخصوص ورثه شهدا خواهشمندم در صورت مواجهه با اغلاط که بدون تردید موجود اند، با همین ویب سایت در تماس شده تا تصحیح لازمه را در لست در صورت ثبوت درج نمایم و ازاینکار خیلی خوشنود خواهم شد. با تأکید مجدد بر اینکه من تا حد توان سعی بندگی خود را کرده ام ولی به هیچ وجه موجودیت اغلاط و اشتباهات را در این کار ناچیزم رد نمی کنم و علاقمندان خاصتاً ورثه شهدای نازنین که تاج سرم اند، بر من خرده نگیرند.

انواع شغل: در جدول تا حد توان نشان داده شده اند.

شماره	شغل	شمار کشته شدگان	ملاحظات
۱	استاد پوهنتون	۳۹	
۲	محصل	۳۹۳	
۳	معلم	۲۸۹	
۴	انجنیر	۶۲	
۵	داکتر	۳۴	
۶	متعلم	۲۲۷	
۷	حمال	۹	
۸	ملا	۸۴	

د پانو شمیره: له ۱۱ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

۹	جنرال	۲
۱۰	ډگروال	۱۲
۱۱	ډگرمن	۱۳
۱۲	جگړن	۴۰
۱۳	ټورن - جگټورن	۴۶
۱۴	لومړۍ - دوهم - دريم بریدمن	۶۰
۱۵	بریدگی - خورد ضابط	۱۳
۱۶	ساتنمن	۱۶
۱۷	لومړۍ - دویم - دريم څارن	۳۸
۱۸	څارمن	۱۰
۱۹	ساتونکی	۲۴
۲۰	سمونوال	۱
۲۱	سمونمل	۲
۲۲	قاضی	۹
۲۳	مدیر	۵۳
۲۴	مامور	۴۲۱
۲۵	شاگرد سماوارچی، شاگرد مستری، شاگرد هوتلی، شاگرد حمامی، شاگرد نمک فروش، شاگرد خیاطه، شاگرد خباز	۲۶
۲۶	بیکار	۱۵۶
۲۷	دوا ساز	۵
۲۸	دیوانه	۳
۲۹	شغل گفته نه شده	۱۰۸۱
۳۰	خیاط	۲۶
۳۱	عسکر	۴۲
۳۲	هوتلی	۵
۳۳	کیله فروش	۱
۳۴	تبنگ فروش	۳
۳۵	دستفروش	۷
۳۶	مستری	۹
۳۷	میخانیک	۳
۳۸	درپور	۷۰
۳۹	دکاندار	۱۲۷
۴۰	سقاء	۳
۴۱	طالب العلم	۱۸
۴۲	دهقان	۴۵
۴۳	زارع	۱۰۰
۴۴	زمیندار	۴۷۴
۴۵	ملاک	۴
۴۶	چوب فروش	۵
۴۷	تعویذگر	۶
۴۸	کارگر	۴۳
۴۹	ساعت ساز	۹
۵۰	رادیو ساز	۵
۵۱	پیاده	۱۱
۵۲	ملازم	۴
۵۳	سرایوان و سرایدار	۱۳
۵۴	طالب	۵
۵۵	خباز	۴
۵۶	لیلامی فروش	۴
۵۷	مدرس و ملنغ	۳۲

د پانوی شمیره: له ۱۲ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

۵۸	علاف	۳
۵۹	وکیل مدافع	۲
۶۰	وکیل گذر	۱
۶۱	خارنوال	۲
۶۲	غریبکار	۳۵
۶۳	مزدور کار	۸
۶۴	نرس	۲
۶۵	کلینر	۳
۶۶	تاجر	۳۷
۶۷	کشمش فروش	۲
۶۸	کراچی وان	۱
۶۹	خلیفه یا سلمان دهاتی	۱۰
۷۰	آهنگر	۳
۷۱	عکاس	۲
۷۲	نگران سرویس	۱
۷۳	کهنه فروش	۶

ولایات: یا محل سکونت. چنانچه در بالا ذکر شد نام هر ولایت را در جاییکه در سند اصلی ذکر نه شده بود تا حد توان و فهم خویش اضافه کرده ام و در نادر جاهاییکه قادر به دریافت موقعیت جغرافیوی یک محل مشخص نه شده ام آنرا در جدول به همانگونه که در لست اصلی درج بود ثبت کرده ام. برویت آنچه که من بعد از فلتر نمودن بدست آورده ام شمار قربانیان هر ولایت به ترتیب آتی تصنیف شده اند:-

۱	کابل	۱۰۸۸	ملاحظات
۲	پنجشیر	۸۹	
۳	بامیان	۹۲	
۴	لوگر	۲۸۹	
۵	فاریاب	۳۸	
۶	مزار شریف	۳۵	
۷	کاپیسا	۸۹	
۸	بدخشان	۱۳۹	
۹	غزنی	۵۶۴	
۱۰	زابل	۶۳	
۱۱	کندهار	۵۱	
۱۲	پروان	۳۰۸	
۱۳	بغلان	۱۰۶	
۱۴	وردک	۲۰۸	
۱۵	میدان	۱۴۰	
۱۶	تخار	۵۴	
۱۷	جوزجان	۴۵	
۱۸	سرپل	۵	
۱۹	بادغیس	۷	
۲۰	هرات	۴۵	
۲۱	فراه	۲۲	
۲۲	نیمروز	۲۰	
۲۳	ننگرهار	۱۵۴	
۲۴	لغمان	۱۲۷	
۲۵	پکتیا	۱۱۶	
۲۶	پکتیکا	۶	
۲۷	خوست	۷	
۲۸	گردیز	۶	

د پانو شمیره: له ۱۳ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لپکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

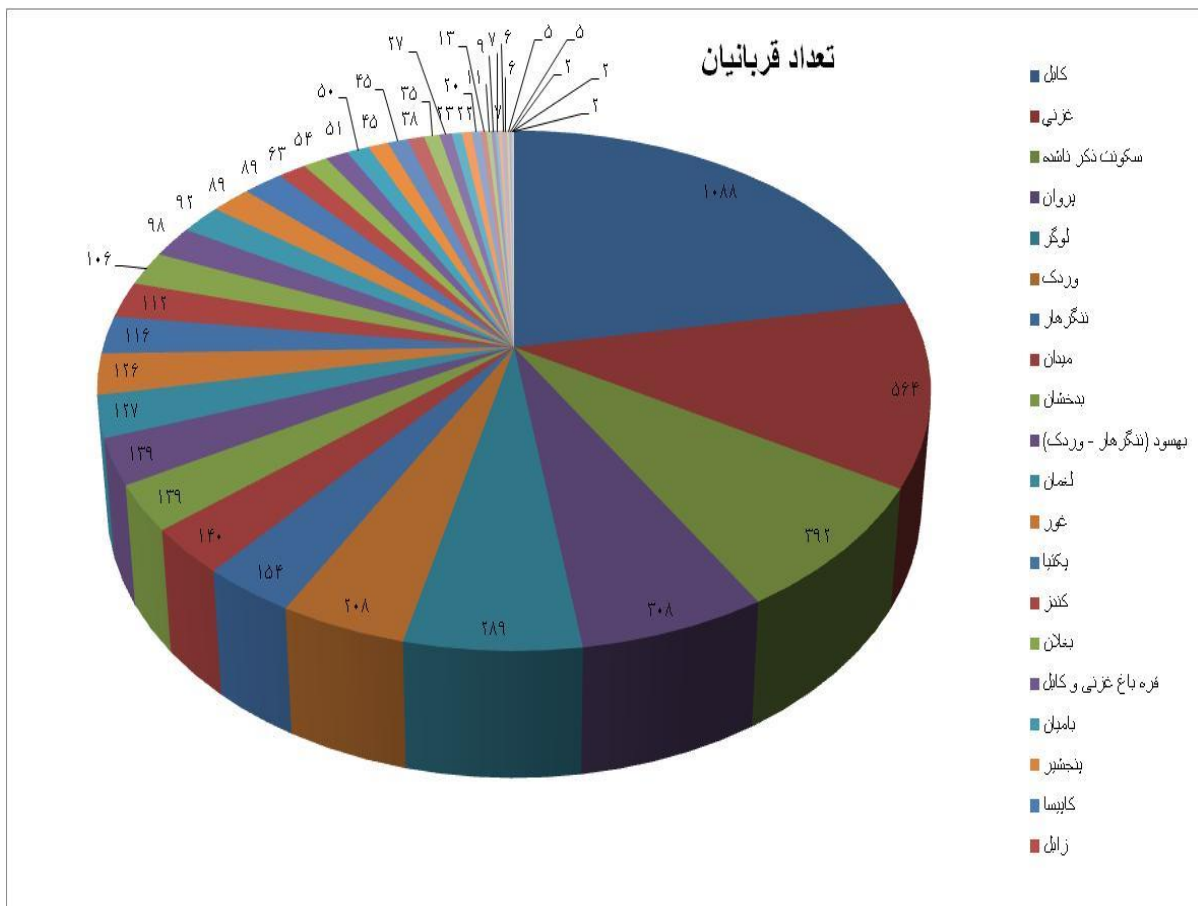
۲۹	شبرغان	۲
۳۰	سمنگان	۲۷
۳۱	بهسود (ننگرهار - وردک)	۱۳۹
۳۲	قره باغ غزنی و کابل	۹۸
۳۳	غور	۱۲۶
۳۴	هلمند	۱۳
۳۵	کونړ	۲۳
۳۶	نورستان	۵
۳۷	پاکستان	۱۱
۳۸	پښتونستان	۲
۳۹	جاغوری	۵۰
۴۰	سکونت ذکر ناشده	۳۹۲
۴۱	کنډز	۱۱۲
۴۲	کوچی	۹
۴۳	ایران	۲

اتهامات: بعد از فلتر نمودن هر نوع اتهامات ذیل شماره های ذیل را بدست آورده ام

۱	خمینی و خمینیت	۴۰۵
۲	اخوانی	۱۸۶۵
۳	ماونیت و شعله پی	۱۸۱
۴	سکتاریست	۵۶
۵	اشرافی	۷
۶	اشرار	۱۳۶۵
۷	توطئه	۱۲۱
۸	افغان ملت	۱۸
۹	ستمی	۸
۱۰	با علامت سوالیه	۳۳۵
۱۱	سفید گزاشته شده	۴۸۲
۱۲	نامهای تکراری	۵۱
۱۳	فراری و فعالیت در جبهه	۶
۱۴	کلمه ضد انقلاب	۴۲
۱۵	اعزامی	۱
۱۶	از طرف اشرار دستوری آمده	۶
۱۷	قرار مکتوب گروپ اجراءت پکتیا بازده نفر در جنگ علاقداری سهم داشته و از جمله اشرار درجه اول می باشد	۱۰
۱۸	به ارتباط گلبدین	۱
۱۹	مجددی	۱۱
۲۰	در صحنه جنگ مسجد سبز از صحنه جنگ دستگیر شده	۱۵
۲۱	طرفدار دولت ایران	۱
۲۲	طرفدار ظاهر - داوود	۱

د پانو شمیره: له ۱۴ تر ۱۶

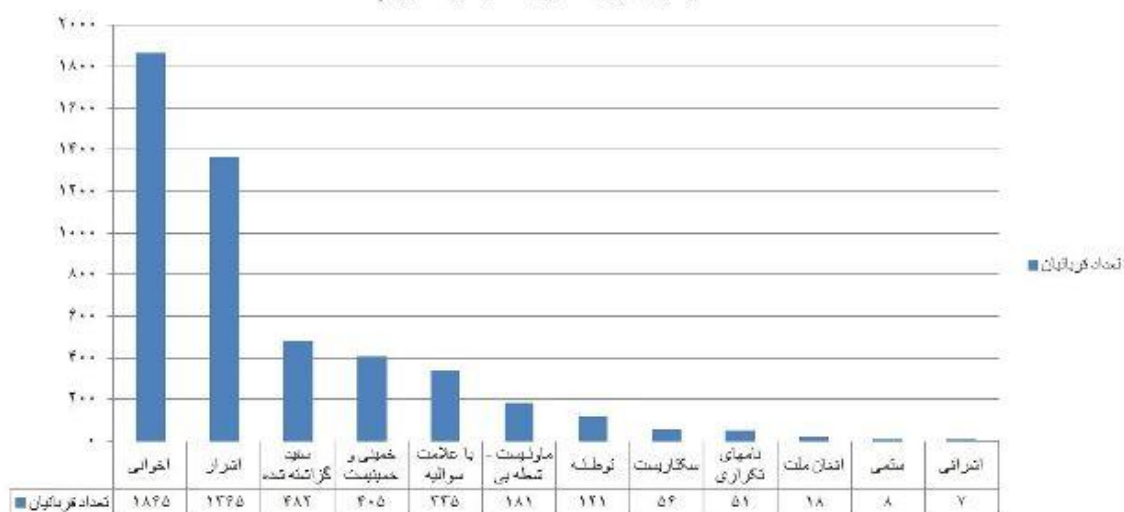
افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ



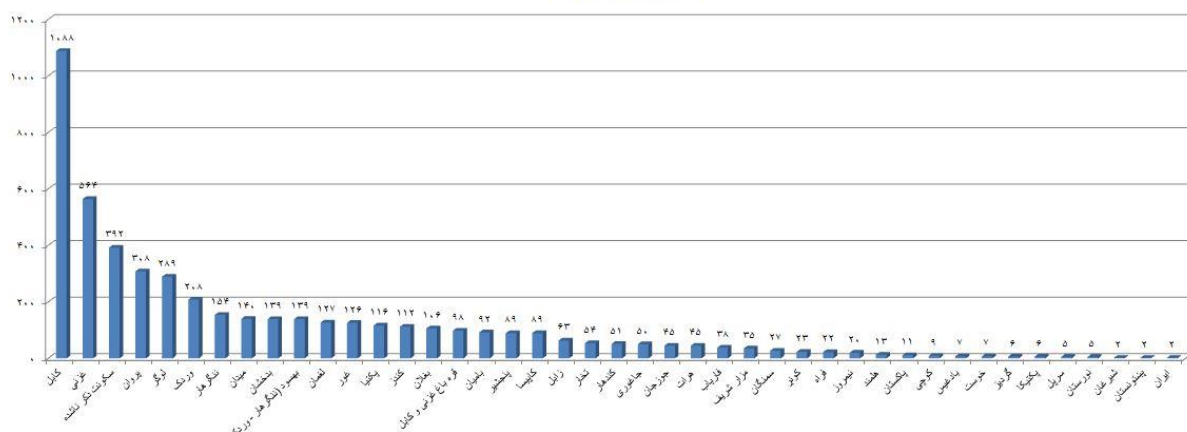
د پانو شمیره: له ۱۵ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليولو مخکي په خير و لولئ

شمار قربانیان نظر به نوعیت جرم



شمار قربانیان نظر به ولایت



لست نهایی را که ترتیب کرده ام اکنون به فارمت پی دی اف خدمت تان تقدیم می نمایم و عنقریب شکل سافت از طریق دیتابیس افغان جرمن آنلاین به نشر می رسد.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/new_list_of_killed_afghan_sept_28_2013.pdf

د پانو شمیره: له ۱۶ تر ۱۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ